

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

در بحث گذشته عرض کردیم که ما می‌توانیم این آیه شریفه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى» را به عنوان یکی از آیاتی که دلالت بر برزخ دارد استدلال کنیم. بیان کردیم که «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» کسی که اعراض از یاد خدا کند، معیشت و عیش ضیق و تنگی را دارد، این مربوط به عالم برزخ و عذاب قبر است، این «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» ارتباطی با دنیا ندارد و مربوط به عالم دنیا نیست. همچنین بیان کردیم که این «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» یعنی «وَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ هُدَايَ» کسی که مسلمان نیست، کسی که کافر است، آدم کافر از این عالم که می‌رود «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» و بعد هم «نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى» که از آیه استفاده می‌شود تمام کفار در روز قیامت اعمی محسور می‌شوند. به دنبال این بودیم که ببینیم آیات مؤیدی در روایات برای این تفسیر پیدا می‌کنیم یا نه؟

(سؤال و پاسخ استاد): حیات هم برای خدای تبارک و تعالی می‌گوییم که خدا حیات دارد، ملائکه حیات دارند، مجردات حیات دارند، حیوانات هم حیات دارند. عرب به حیات حیوانی عیش می‌گوید و چون عالم برزخ هم دنباله‌ی همین حیات مادی و دنیوی است از او تعبیر به عیش شده «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً».

در این جلسه می‌خواهیم مؤیداتی برای این مدعا ذکر کنیم که معیشت ضنک مربوط به عالم برزخ است و ربطی به عالم دنیا ندارد. در کتاب متشابه القرآن جلد دوم صفحه 99 يك روايتي را نقل می‌کند «قال النبي(ص) في قوله تعالى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً قَالَ عَذَابُ الْقَبْرِ» ولو اینکه سندی ندارد، روایت مرسله است ولی به عنوان مؤید داریم ذکر می‌کنیم. استفاده از روایات مرسله هم در فقه و هم در تفسیر به عنوان مؤید مانعی ندارد. يك وقت می‌خواهیم به عنوان دلیل قرار بدهیم که مشکل است! اما به عنوان مؤید اشکالی ندارد، در اینجا به این عنوان ذکر شده.

(سؤال و پاسخ استاد): این آیه بعد به قرینه مقابله است «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» یعنی «وَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ هُدَايَ» کسی که هدایت من را قبول نکند! یعنی مسلمان نبود. به قرینه مقابله که این آیه‌ی دوم مقابل آیه قبل است. علتش این است که کسی که از ذکر خدا اعراض کند دیگر به دنبال هدایت نمی‌رود و هدایت نمی‌شود. ما در «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» ذکر را می‌گوئیم یاد خدا، این غلط است! «ذِكْرِي» یعنی اعتقاد به خدا ذکر خداست، اگر يك کسی مؤمن است، در قلبش اعتقاد به خدا دارد، این «أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» نیست چون به خدا اعتقاد دارد، خود اعتقاد به خدا یکی از مصادیق ذکر الله است، ذکر الله این نیست که فقط ما تسبیح بگیریم، الله اکبر و سبحان الله بگوئیم، اگر يك کسی إعتقد بالله تبارک و تعالی می‌شود ذکر الله.

در نتیجه کسی که مؤمن است اما مثلاً دنیا طلب است خیلی روشن عرض کنم که يك انسان مؤمن دنیا طلب را نمی شود گفت أعرض عن ذكر الله، اگر شما این آیه شریفه را بخواهید بگوئید شامل مؤمن می شود، باید اکثر مؤمنین در روز قیامت أعمی آفریده شوند، در حالی که اینطور نیست. مؤمن نه در عالم قبر گرفتار عذاب این چنینی می شود و نه روز قیامت أعمی است. اصلاً اینکه بعد دارد «ونحشره يوم القيامة أعمی» خود این قرینه است، حتی اگر ما آیه قبل را هم قرینه قرار ندهیم، خود این قرینه است که این معیشت ضنك مال عدهای خاص است که آن عدهای خاص كفار هستند.

در همین کتاب شریف بحار جلد ششم باب احوال البرزخ و القبر و سؤال و جواب در عالم قبر صفحه 214 مرحوم مجلسی می فرماید: «خبر علي بن الحسين عليه السلام في باب الموت أنه تل» امام سجاد این دو آیه را خواندند «ومن وراءهم برزخ إلي يوم يبعثون قال هو القبر» بعد در ادامه فرمودند «و إن لهم فيه لمعيشة ضنكا و الله إن القبر لروضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النيران» امام سجاد (ع) هم این آیه فإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً را آورده اند و بعد فرمودند قبر «إما روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار» پس معلوم می شود که این معیشت ضنك هم مربوط به عالم قبر است. حالا من در آن جلسه ندیده بودم ولی بعد دیدم که خود مرحوم مجلسی می فرماید «أقول هذا الخبر يدلّ علي أنّ المراد بالمعيشة الضنك في الآية هو عذاب القبر» این آیه خودش دلالت دارد که مراد از معیشت ضنك کاری به دنیا ندارد، مربوط به عذاب قبر است «و يؤيّده ذكر القيامة بعده» بعد بالاتر فرمودند، «و إليه ذهب كثير من المفسرين» در جلسه قبل عرض کردم ابن مسعود و چند نفر دیگر معیشت ضنك را به همین عذاب قبر معنا کردند، ایشان می فرمایند کثیری از مفسرین همین نظریه را دارند. «و لا يجوز أن يراد بها سوء الحال في الدني» نمی شود از این معیشت ضنك همان اضطراب و سوء حال را استفاده کرد، چرا؟ «لأنّ كثيراً من الكفار في الدنيا في معيشة طيبة حينئذ» کثیری از كفار در يك زندگی راحتی به سر می برند «والمؤمنين بالضد من ذلك» مؤمنین در ضد آن هستند و زندگی راحتی ندارند. پس خود این روایت امام سجاد هم شاهد دوم شد.

شاهد اول روایت مرسله ای بود که از پیامبر نقل شده که پیامبر فرمود معیشت ضنك عذاب قبر است، شاهد دوم این روایتی که از امام سجاد (ع) نقل شده است.

اما شاهد سوم؛ نامه ای است که امیرالمؤمنین (ع) بن محمد بن ابی بکر نوشته. این نامه در منهاج البراهین خویی جلد نوزدهم صفحه 77 آمده، نامه خیلی مفصّلی است و عبارات خیلی عجیب و تکان دهنده ای در این نامه وجود دارد. در يك قسمتش می فرماید: «أحذروا يا عبادالله الموت وسكرته، فأعدوا له عدته» راجع به موت بیان می کند تا می رسد به این عبارت که می فرماید «يا عباد الله ما بعد الموت لمن لا يغفر له أشد من الموت» ما بعد از موت برای کسی که مورد مغفرت قرار نمی گیرد اشدّ از خودِ موت است. ما قبلاً بحث مفصّلی داشتیم و گفتیم خودِ موت يك شدائد ذاتی دارد و به «جاءت سكرة الموت» را استدلال کردیم و بعد می فرماید «لمن لا يغفر له ما بعد الموت أشد من الموت، القبر فاحذروا ضيقه و ضنكه و ظلمته و غربته» اجتناب کنید، برحذر باشید از تنگی قبر، از تاریکی قبر و از غربت، این سه چیز در عالم قبر است. «إن القبر يقول كل يوم» قبر هر روز می گوید «أنا بيت الغربة، أنا بيت التراب، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود و الهوام» قبر هر روز می گوید من چنین جایگاهی را دارم «و القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النيران، إنّ العبد المؤمن إذا دفن قالت له الأرض» وقتی انسان مؤمن بمیرد زمین به او می گوید: «مرحباً و أهلاً» قد كنت ممن أحب أن تمشي علي ظهري» تو آدمی بودی که وقتی روی من راه می رفتی من دوست داشتم «فاذا وليتكَ» حالا که من تو را در آغوش گرفتم و تو در پهلوی من جایی گرفتی «فستعلم كيف صنعني بك» حالا ببین با تو چکار می کنم؟ «فيتسع له مد البصر» بینایی اش اتساع پیدا می کند، یعنی اینقدر می بیند، باغها، اشیاء، جاهای زیبا را. یکی از فرقهای دنیا با بعد از دنیا همین است که دید انسان در دنیا محدود است و يك قسمت را بیشتر نمی تواند ببیند، اما وقتی انسان از عالم دنیا رفت اتساع در بصر پیدا می کند و هر چه خوشی است می تواند در همان عالم قبر ببیند.

«وإن الكافر إذا دفن قالت له الأرض» اما وقتي کافر را دفن می‌کنند زمین به او می‌گوید «لا مرحباً بك ولا أهلاً» خوشآمد به تو نمی‌گوید «لقد كنت من أغض من يمشي علي ظهري» تو مبعوض‌ترین کسی بودی که روی من راه می‌رفتی «فاذا وليتك فستعلم كيف صنيعي بك» حالا که من تو را در آغوش گرفتم ببین که با تو چکار می‌کنم؟ «فتضمّه» او را فشار می‌دهد «حتي تلتي اضلاعه» تمام اضلاع بدنش التقاء پیدا می‌کند، کنایه از این است که شکسته و خرد می‌شود، یعنی در اثر فشار این چنین می‌شود. حالا شاهد ما این است که امیرالمؤمنین اینجا می‌فرماید «وإن المعيشة الضنك التي حذر الله منها عدوه عذاب القبر» این معیشت ضنکی که خدا عدوّ خودش را از او تحذیر می‌کند عذاب قبر است، این یعنی همین معیشت ضنکی که در آیه قرآن آمده، «ومن أعرض عن ذكری فإن له معيشة ضنك» امیرالمؤمنین به این اشاره دارد و می‌فرماید این معیشت ضنکی که در آیه شریفه آمده، می‌فرماید اولاً خدا عدوّش را - به قرینه مقابله ومن لم يتبع هداي - از او برحذر می‌دارد، این عذاب قبر است. بعد در ادامه می‌فرماید «إنه يسلط علي الكافر في قبره تسعة و تسعين تنين» خدا بر کافر 99 تنین مسلط می‌کند، تنین را لغت معنا می‌کند به «حيئة عظيمة» مار بسیار بزرگ «فينهشن لحمه و يكسرن عظمه» اینها لحم او را می‌خورند و از بین می‌برند، استخوانش را خرد می‌کنند «يترددن عليه كذلك إلي يوم البعث» اینها تا قیامت با او هستند. «لو أن تنيناً منها تنفخ في الأرض لم تنبت زرعاً» اگر یکی از این تنین‌ها روی زمین بدمد در هیچ نقطه‌ای از نقاط زمین گیاهی روییده نمی‌شود «يا عباد الله إن أنفسكم الضعيفة و أجسادكم الناعمة الرقيقة التي يكفيه اليسير تضعف عن هذا» بعد توصیه می‌کنند که شما با این اجسام و اجساد ضعیف و رقیق و نرمی که در این دنیا دارید که توان يك هزارم این عذاب را هم ندارید، چطور می‌خواهید در آن عالم مقاومت کنید.

شاهد ما در این روایت همین بود که در کلام امیرالمؤمنین(ع) هم معیشت ضنك به همان عذاب قبر آمده، بعد علامه می‌گوید شیخ بهایی می‌گوید «قال بعض اصحاب الحال» یعنی بعضی از عرفا «ولا ينبغي عن يتعجب من التخصيص بهذا العدد» نباید تعجب شود که این 99 از کجا آمده! «فلعل عدد هذا الحيات بقدر عدد صفات المذمومة» این عدد به عدد صفات مذمومه است، یعنی به عدد هر صفت رذیله‌ای که در انسان هست یکی از این حیّه‌ها هست، «من الكبر و الريا و الحسد و الحقد و سائر الأخلاق و الملكات الردية...».

باز علامه می‌فرماید «ولبعض اصحاب الحديث» اصحاب حال و عرفان اینطوری معنا کردند، بعضی از محدثین گفته‌اند علت اینکه خدای تبارک و تعالی 99 آورده، مجلسی می‌فرماید اینها يك بیان ظاهری و اغنایی آوردند و آن این است که «محصله أنه قد ورد في الحديث أن لله تبارك و تعالی تسعة و تسعين إسماً» خدا 99 اسم دارد، «من أحصاها دخل الجنة و معنا احصاءها الاذعان باتصافه عز و علي بكل منه» باید انسان اعتقاد داشته باشد که خدا متصف به تمام این 99 تاست. و باز روایتی از امام صادق که «روي الصادق عن النبي (ص) أنه قال إن لله مائة رحمة» خدا صد رحمت دارد «أنزل منها رحمة واحدة بين الجن و الإنس و البهائم» يك رحمتش را بین جن و انس و بهائم تقسیم کرده «و آخر تسعة و تسعين رحمة يرحم بها عبادة» اما 99 تاي آن را قرار داده برای روز قیامت. «فتبين من الحديث الأول أنه سبحانه بين لعباده معالم معرفته بهذه الاسماء التسعة و التسعين» خدا معالم معرفتش را در این 99 تا قرار داده، آن وقت به ازای اینکه هر انسانی در دنیا یکی از این اسماء الهی را ترك و مخالفت کرده يك عقوبت جدایی به عنوان تنین برایش قرار می‌دهد.

«ومن الحديث الثاني أن لهم عندهم في النشئة الأخروية» حدیث دوم که امام صادق(ع) از پیامبر نقل کرد که خدا صد رحمت دارد، در تمام دنیا يك رحمتش را تجلی داده اما 99 رحمتش برای قیامت است، خدا در نشئه‌ی اخرویّه 99 رحمت دارد «وحيث إن الكافر لم يعرف الله سبحانه بشيء من تلك الأسماء جعل له في مقابل كل إسم رحمة تنين» چون این کافر خودش را از رحمت خدا دور کرده، در مقابل هر رحمتی که به مؤمنین در قیامت می‌رسد يك تنین هم برای او قرار داده می‌شود. بعد مرحوم

علامه می‌فرماید «هذا حاصل کلامه و هو کما تری»، این به مجموع کلام شیخ بهائی می‌خورد یعنی شیخ بهائی این 99 تا را که از قول عرفا نقل کرد، که عرفا گفتند خدا 99 اسم دارد، از قول محدّثین که آنها گفتند 99 رحمت در قیامت هست، مرحوم علامه می‌فرماید هیچ یک از اینها قابل قبول نیست و حق با علامه است نه مطلب اول و نه مطلب دوم ربطی به عذاب قبر ندارد. این 99 دلالت بر کثرت العذاب و شدّت العذاب دارد و این عدد خاصّی نیست که نباید 98 یا 100 تا باشد، این کنایه از شدّت عذاب در عالم قبر است.

علي ايّ حال این روایت - یعنی کلام امیرالمؤمنین به محمد بن أبی بکر - قرینه خیلی خوبی شد برای اینکه مراد از معیشه ضنک عذاب قبر است، حالا شاید یکی دو شاهد دیگر هم داشته باشیم که فردا عرض می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين